

# الزامات رقابت پذیری در بخشهای صنعت و تجارت

(با تأکید بر تجربیات داخل کشور)

دکتر محمد رضا عباسی\*

حسین رحیمی کلور\*\*

## چکیده:

گسترش تجارت جهانی، تغییرات سریع در الگوهای مصرف و تقاضا، انقلاب در فناوری اطلاعات و نیز افزایش در کمیّت و کیفیت رقبای محلی و بین‌المللی در دو دهه اخیر موجب گردیده، مفهوم رقابت پذیری از اهمیت ویژه‌ی برخوردار شود. لذا، در این مقاله مفاهیم اصلی و اساسی رقابت پذیری، مؤلفه‌های تأثیرگذار در رقابت پذیری، رابطه توسعه اقتصادی با رقابت پذیری اقتصاد، رقابت پذیری و صادرات؛ تبیین گردیده و ضمن برشماری عناصر سه‌گانه توسعه و رونق اقتصادی يك کشور، به موارد رقابت پذیری و یکپارچگی در حوزه سیاستهای صنعتی- با نگرشهای کاملاً بومی- اشاره شده است.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور تهران

\*\* دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور تهران

## پیشگفتار

فرایند جهانی شدن، به وجود آمدن سازمان تجارت جهانی و یکپارچگی بازارهای جهانی، پیشرفتهای سریع و بنیادین تکنولوژیک، پیشرفتهای جدید در زمینه فناوری اطلاعات، افزایش تغییرات سریع در الگوهای مصرف و تقاضا، تبیین کنترلهای آلودگی محیط زیست و حفظ منابع انرژی، کمبود منابع و هزینههای بالای آنها؛ چالشهایی است که بنگاهها و صنایع مختلف در عرصه تجارت و فعالیتهای اقتصادی با آن روبهرو هستند و ادامه حیات آنها، منوط به تصمیمگیری درست و بموقع در برابر این تغییرات است. در این میان، فرایند جهانی شدن و گسترش بازارهای مصرف و نیز افزایش تعداد رقبا و شدت رقابت، باعث اهمیت بخشیدن به مفاهیمی مانند رقابت پذیری شده است. این امر موجب شده تا بنگاهها، صنایع و کشورهای مختلف در جهت ارتقای رقابت پذیری خود به شناسایی عوامل مؤثر بر رقابت پذیری و تقویت آنها تلاش کنند. بسیاری از محققان جهت توجیه و تفسیر رقابت پذیری و عوامل مؤثر بر آن، نظریه و مدلهایی را عرضه داشته اند و عوامل مؤثر بر رقابت پذیری را دسته بندی کرده، در قالب مدلهایی ارایه کرده اند. این نظریه ها و مدلها نیز از تنوع نسبتاً زیادی برخوردارند. اما، در این میان، ما به دنبال یافتن مدلی کاملاً بومی در حوزه های تجاری و صنعتی هستیم که ضمن بهره گیری از مدل های غربی، پاسخگوی نیازهای واقعی کشور باشد.

## مفهوم رقابت پذیری

مطالعه نظریات صاحب نظران و پژوهشگران مختلف نشان می دهد که از رقابت پذیری تعریف و تعبیر واحدی وجود ندارد. اما، به طور کلی، می توان رقابت پذیری را قابلیت ها و توانمندی هایی دانست که یک کسب و کار، صنعت، منطقه، کشور دارا هستند و می توانند آنها را حفظ کنند تا در عرصه رقابت بین المللی

نرخ بازگشت بالایی را در فاکتورهای تولید ایجاد کنند و نیروی انسانی خود را در وضعیت نسبتاً بالایی قرار دهند. به عبارت دیگر، رقابت پذیری توانایی افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش افزوده و ماندن در صحنه رقابت عادلانه و بین المللی برای یک دوره طولانی است.

رقابت پذیری؛ در اثر ترکیبی از داراییها و فرایندها به وجود می آید. داراییها، یا به صورت موهبتی است (مثل منابع طبیعی)، یا ساخته شده به وسیله انسان است (مثل زیرساختها) و فرایندها که داراییها را به منافع اقتصادی حاصل از فروش به مشتریان تبدیل می کند و در نهایت موجب ایجاد رقابت پذیری می شود.

از طرفی، رقابت پذیری؛ یک مفهوم تطبیقی (Comparative Concept) است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی، یا یک کشور را در زمینه عرضه کالاها یا خدمات خود به یک بازار مشخص نشان می دهد. رقابت پذیری؛ امروزه مفهوم یا قلمروی گسترده بی دارد و در تعیین آن دهها فاکتور یا عامل دخالت دارند. رقابت پذیری، در سه سطح قابل بررسی و مطالعه است.

۱- در سطح شرکتها

۲- در سطح ملی

۳- در سطح بین المللی

هر شرکتی که بتواند به بهترین شکل ممکن، منابع در دسترس - اعم از سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی - را تلفیق کرده و محصول تولیدی خود را به بازار عرضه کند، شانس موفقیت بیشتری دارد.

هر کشوری کوشش می کند از همه توانمندیهای خود - اعم از منابع طبیعی، نیروی متخصص، سرمایه های معنوی، موفقیت ژئوپلیتیکی، ویژگیهای فرهنگی و ... - برای توسعه تجارت و پیشی گرفتن بر رقبا استفاده کند و رقابت پذیری را به خارج از مرزهای جغرافیایی خود تسری دهد و در جرگه قدرتهای بزرگ اقتصادی در منطقه یا عرصه بین المللی قرار گیرد.

کنند. این قبیل زیرساختها، امکان نقل و انتقال نیروی کار را به مشاغل مناسب فراهم می کند.

### ۳- ثبات اقتصادی در سطح کلان

#### (Macroeconomic Stability):

هنگامی که در یک کشور نرخ تورم بالا یا خارج از کنترل است، شرکتهای یا بنگاههای اقتصادی نمی توانند تصمیمات آگاهانه، منطقی یا خردمندانه‌یی اتخاذ کنند. اگر نرخ بهره بالا باشد، یا دولت‌ها بابت بدهیهای گذشته خود ناگزیر به تحمل بهره‌های گزافی باشند؛ قادر نخواهند بود که تسهیلات مناسبی در اختیار واحدهای تولیدی، صادرکنندگان یا مؤسسات تجاری قرار دهند. کشورهایی که اقتصاد کلان آنها دستخوش عدم ثبات است، از لحاظ رقابت‌پذیری در موقعیت مطلوبی قرار ندارند.

#### ۴- بهداشت و آموزشهای اولیه (Health):

برخورداری یک کشور از نیروی کار سالم و تندرست، در رقابت‌پذیری و بهره‌وری نقش حیاتی دارد. نیروی کار بیمار نمی تواند وظایف خود را به درستی انجام دهد یا از توانمندیهای خود به طور کامل استفاده کند. به همین سبب، بازده اقتصادی کمتری دارد. سرمایه‌گذاری غیر مکفی در بخش بهداشت، هزینه‌های هنگفتی به بخش تجارت (و به طور کلی اقتصاد کشور) تحمیل می کند.

#### ۵- تحصیلات عالی و کارآموزی

#### (Higher Education and Training):

کیفیت تحصیلات عالی در هر کشور و آموزشهایی که به افراد داده می شود، در رقابت‌پذیری اقتصاد تأثیر قاطع دارد و تردیدی نیست که اگر نیروی کار از تخصص یا آموزشهای اساسی برخوردار نباشد، یا تحصیلات عالی در یک کشور از کیفیت مطلوب برخوردار نبوده؛ با استانداردهای بین‌المللی منطبق نباشد؛ بنگاههای اقتصادی قادر به اصلاح و بهبود فرایندهای تولید و گذار

رقابت‌پذیری؛ در ساده‌ترین تحلیل به «بهره‌وری» بستگی دارد که نشان می دهد یک ملت تا چه حد می تواند از نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی خود برای توسعه اقتصادی استفاده کند. به موازات توسعه بهره‌وری، دستمزدها افزایش می یابد، بازارها گسترش پیدا می کند، در آمد کشورها بالا می رود و سرانجام اتباع کشور از رفاه بیشتری برخوردار می شوند.

### مؤلفه‌های تأثیرگذار در رقابت‌پذیری

کارشناسان اقتصادی، عوامل متعددی را در رقابت‌پذیری مؤثر می دانند. در گزارش سال جاری «مجمع جهانی اقتصاد» به ۱۲ عامل مهم اشاره شده است که هر یک از این عوامل به نوبه خود به زیربخشهای متعدد دیگری تقسیم می شوند.

#### ۱- نهادها (Institutions):

نهادها، سازمانها یا تشکیلات اداری موجود در هر کشور؛ چارچوبها یا محدوده‌های خاصی محسوب می شوند که در درون آنها افراد، شرکتهای و دولت‌ها با یکدیگر ارتباط یا تعامل برقرار می کنند تا بتوانند برای اقتصاد کشور در آمد یا ثروت تولید کنند.

#### ۲- زیرساختها (Infrastructures):

بررسیهای انجام شده ثابت کرده که وجود زیرساختهای گسترده و کارآمد، نیروی محرکه رقابت‌پذیری است و بدون ایجاد این زیرساختها نمی توان در عرصه رقابت‌پذیر کردن اقتصاد به موفقیت دست یافت.

از جمله این زیرساختها، می توان به برخورداری یک کشور از شبکه کارآمد حمل و نقل، نیروی متخصص، مناسب بودن کیفیت جاده‌ها و شاهراهها، خطوط راه آهن مدرن، بنادر مجهز، خطوط هوایی منظم اشاره کرد؛ به گونه‌یی که صادرکنندگان بتوانند کالاهای خود را بموقع و با اطمینان خاطر، به بازارهای هدف عرضه

از مرحله تولید کالاهای ساده به کالاهای پیچیده و مبتنی بر فناوری پیشرفته نخواهند بود.

#### ۶- کارآمدی بازار کالا

(Good Market Efficiency):

کشورهایی که از بازار کالای کارآمدی برخوردار هستند، به خوبی قادرند که از «آمیزه تولید کالاها و خدمات» به بهترین نحو بهره‌برداری کنند. تولید کالای مناسب با قیمت و کیفیت مناسب، منطبق با نیاز مصرف‌کننده، امکان‌راهیابی به بازارهای فروش در داخل و خارج را فراهم می‌کند. این کشورها، صرفاً تولیدکننده یک یا چند نوع محصول مشخص نیستند، بلکه، می‌توانند خطوط تولید خود را متناسب با تحول در بازار تغییر دهند. ویژگیهای کالاهای موجود را تغییر دهند، یا به تولید کالاهای جدیدی مبادرت کنند و چرخه حیات کالاهای خود را افزایش دهند، یا ماندگاری آنها را بیشتر کنند.

#### ۷- کارآمدی بازار کار

(Labor Market Efficiency):

اگر بازار کار در یک کشور از انعطاف و کارایی لازم برخوردار باشد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که اقتصاد آن کشور از وجود این نیرو به کارآمدترین شکل ممکن استفاده خواهد کرد. مشوقهایی که به نیروی کار داده می‌شود باید با نوع شغل و درجه کارایی افراد متناسب باشد.

#### ۸- پیچیدگی بازار مالی

(Financial Market Sophistication):

کشورها به بازارهای مالی پیشرفته و پیچیده نیاز دارند، به گونه‌ایی که بخش خصوصی بتواند برای سرمایه‌گذاری از منابع متعدد و ابزارهای گوناگون استفاده کند و برای تأمین نیازهای خود صرفاً به منابع بانکی متکی نباشد. البته، وجود یک سیستم بانکی کارآمد که از یک خط‌مشی پولی سالم تبعیت کند، لازمه

رقابت‌پذیر کردن اقتصاد است.

#### ۹- سطح آمادگی اصول فنی

(Technological Rediness Level):

ارزیابی سطح آمادگی تکنولوژیک یک کشور در تشخیص درجه رقابت‌پذیری آن کشور، اهمیت زیادی دارد. معیارهای متعددی برای تعیین سطح آمادگی تکنولوژیک یک کشور وجود دارد. هنگامی که گونه‌یی فناوری برای نخستین بار ابداع می‌شود، بلافاصله قابلیت کاربر ندارد، بلکه، باید از طریق تجربه، آزمایش‌های واقعی و روشهای دیگر؛ اجرایی کردن آن را محقق ساخت. پایین‌ترین سطح آمادگی تکنولوژیک، با پژوهشهای علمی آغاز می‌شود. این پژوهشها باید به تحقیقات کاربردی و توسعه‌ی تبدیلی تبدیل شود.

#### ۱۰- اندازه بازار (Micro - Machine):

اندازه یک بازار در بهره‌وری تأثیر بسزایی دارد. زیرا، هرچه بازاری که در دسترس یک شرکت قرار دارد، گسترده‌تر یا بزرگتر باشد، آن شرکت بهتر می‌تواند از مزایای تولید انبوه بهره‌مند شود. گستردگی بازارها، در رقابت‌پذیری تأثیر بسزایی دارند. زیرا، امکان استفاده از «اقتصاد مقیاس» را فراهم می‌سازند.

برای شرکتهایی که در قلمروی یک کشور فعالیت دارند، برخورداری از تقاضای بالا جهت فروش محصول، واجد اهمیت زیادی است.

#### ۱۱- تخصصی شدن تجارت

(Business sophistication):

در دنیای امروز، تجارت بیش از پیش تخصصی شده و با روشهای ساده نمی‌توان به هدفهای بزرگ تجاری دست یافت. هنگامی که عرضه‌کنندگان کالا یا فعالان یک بخش خاص اقتصادی، از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک شده و به ایجاد یک «خوشه صادراتی» اقدام می‌کنند، کارایی آنها افزایش می‌یابد و فرصتهای بیشتری برای «نوآوری در محصول» یا فرایند تولید در

معتبر و سیکلهای اقتصادی دنیا، به شدت در اقتصاد این کشورها اثر می‌گذارد.

- مرحله دو:

کشورهایی که دارای اقتصاد Efficiency - Driven (کارایی محور) هستند و درآمد سرانه آنها، بین ۳۰۰۰ تا ۹۰۰۰ دلار است.

کشورهایی که درآمد سرانه آنها، بیش از ۲۰۰۰ دلار و کمتر از ۳۰۰۰ دلار است؛ در حال انتقال یا گذار از مرحله یک به مرحله دو هستند.

- مرحله سه:

کشورهایی که اقتصاد آنها بر نوآوری متکی است و اصطلاحاً «نوآوری - محور» Innovation Driven نامیده می‌شوند. درآمد سرانه این کشورها بالاتر از ۱۷۰۰۰ دلار است.

کشورهایی که درآمد سرانه آنها بین ۹۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ دلار است، در حال گذار از مرحله دو به مرحله سه هستند.

### رقابت پذیری و صادرات

عوامل متعددی در رقابت بنگاههای اقتصادی در بازارهای صادراتی اثر می‌گذارد. این عوامل، به اختصار عبارت است از:

#### ۱- عوامل داخلی:

مهمترین عوامل؛ توانمندیهای مدیران و کارآفرینان و میزان آگاهی آنان در زمینه تکنولوژی، بازاریابی و فنون تازه مدیریت است. کیفیت تولید در یک کشور و درجه صنعتی شدن آن و نحوه حمایت دولت از بخش صادرات (قوانین، مقررات، یارانه‌ها، زیرساختها و نظایر آنها)، از اهمیت خاصی برخوردار است.

#### ۲- عوامل خارجی:

عضویت کشورها در پیمانهای منطقه‌ای یا سازمانهای اقتصادی و موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای که صادرکنندگان در بازارهای هدف مواجه هستند، دسترسی آزادانه به بازارهای مورد نظر، یا عدم دسترسی

اختیار آنان قرار می‌گیرد و موانعی که در راه ورود به بازار، برای شرکتهای نوپای عضو خوشه‌های صادراتی وجود دارد، کاهش می‌یابد که نتیجه آن افزایش رقابت پذیری در بازارهای هدف است.

#### ۱۲- نوآوری (Innovation):

نوآوری در اقتصاد؛ عبارت است از ایجاد تحولی که به افزایش ارزش از دیدگاه تولیدکننده یا مصرف کننده منجر شود. هدف از نوآوری؛ ایجاد تغییرات مثبت در جهت بهینه کردن کالاها، ایجاد تسهیل در زندگی، دستیابی به رفاه و نظایر آن است. از آنجا که نوآوری به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود، رقابت پذیری را ارتقاء می‌بخشد، که نتیجه آن افزایش درآمد و ثروت جامعه است. نوآوری؛ نه تنها دربرگیرنده نوآوریهای تکنولوژیک است و به تزریق کالاها و خدمات جدید به درون اقتصاد منجر می‌شود، بلکه، شامل سایر اشکال نوآوری مانند نوآوریهای سازمانی نیز می‌شود که ماهیتی غیر تکنولوژیک دارند. نوآوریهای اخیر؛ مشتمل بر معرفی روشهای جدید مدیریتی، تکنیکهای تازه بازاریابی، به کارگیری تدارکات لجستیکی و نظایر آنهاست.

### رابطه توسعه اقتصادی با رقابت پذیری اقتصاد

بر اساس معیارهای «مجمع جهانی اقتصاد» درجه توسعه یافتگی کشورها در رقابت پذیری آنها تأثیرگذار است. کشورهای تحت بررسی مجمع، از لحاظ توسعه در طبقه بندیهای زیر قرار می‌گیرند.

- مرحله یک:

کشورهایی که درآمد سرانه کمتر از ۲۰۰۰ دلار و اقتصاد آنها Factor - Driven است. این کشورها، عمدتاً صادرکننده منابع طبیعی و کالاهای کم ارزش هستند. بنگاههای اقتصادی این کشورها، عمدتاً به تولید کالاهای اولیه‌ای اشتغال دارند که سهم آنها در زنجیره ارزش اندک است.

نوسانات بهای مواد اولیه، تغییرات نرخ ارزهای



به این بازارها به سبب تحریمهای اقتصادی یا تعامل غیر فعال و بُعد جغرافیایی و فاصله بسیار زیاد با بازارهایی که می‌توانند در زمره خریداران بالقوه کالاهای صادراتی باشند؛ از عوامل اثرگذار در رقابت‌پذیری بخش صادرات هستند.

دشواری دستیابی به فناوری پیشرفته، به سبب نارسایی قوانین مرتبط با حمایت از حقوق مالکیت معنوی، یا عدم همکاری کشورهای دارنده فناوری پیشرفته، مانع از تولید کالاهایی می‌شود که High-Tech یا دانش بر Intensive Items - Know Edge نامیده می‌شوند بدین ترتیب، واحدهای تولیدی قادر به ساخت کالاهایی که در آرد ارزی بیشتری عاید کشور می‌کند و موقعیت کشور را از لحاظ رقابت‌پذیری ارتقاء می‌بخشد، نخواهند بود.

### مدل توسعه اقتصادی کشور

در ادبیات جدید جهانی، برای توسعه کشور نقش محدودی به دولتها و اگذار شده است. این تحول در ادبیات اقتصادی بی دلیل نیست. امروزه، بسیاری از کشورها بدون دخالت‌های مستمر دولت توسعه یافته‌اند و وظیفه توسعه‌ی دولت را تنها به بستر سازی و زمینه‌سازی برای فعالیت اقتصادی بنگاهها محدود کرده‌اند. این، در حالی است که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و حتماً دهه ۷۰ میلادی، دولتها نقش تعیین کننده‌ی در تحولات اقتصادی در کشورهای جهان، بخصوص در کشورهای در حال توسعه، داشته‌اند. در دهه گذشته، با تکیه بر تعیین کنندگی بنگاههای اقتصادی، مدلی با ۳ مولفه اصلی برای پایه‌گذاری توسعه اقتصادی کشورها طراحی شده، که از سادگی و تناسب قابل توجهی برخوردار است.

در يك كلام، می‌توان توسعه و بهبود رونق اقتصادی يك کشور را؛ تابعی از سه عنصر کاملاً مرتبط به هم دانست. این عناصر، به شرح زیرند:

۱- زمینه مناسب سیاسی و اقتصادی کلان کشور

۲- فضای کسب و کار در سطح خرد

### ۳- عملیات و راهبرد شرکتهای

اولی؛ زمینه‌ساز و دومی فضای کسب و کار کشور را برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری بیشتر آماده می‌کنند و سومی موجب تحرك، نرخ رشد اقتصادی، و رقابت‌پذیری در پهنه جهانی است.

### رقابت‌پذیری و یکپارچگی در سیاستهای صنعتی کشور

الف- ارتقای نظام سیاستگذاری در حوزه صنعت و معدن و کاهش تصدیگری:

۱- اصلاح نظام سیاستگذاری صنعتی، با تأکید بر نگرش یکپارچه به صنعت، تجارت و اقتصاد، توجه به روابط متقابل بین سیاستهای حوزه صنعت با سایر حوزه‌های اقتصادی.

۲- تلاش در جهت ایجاد ثبات حداکثری در قوانین و مقررات در حوزه‌های مرتبط با بخش صنعت و معدن؛ به منظور کاهش درجه خطرپذیری برای سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی.

۳- تقویت تشکلهای و انجمنهای تخصصی و صنفی تولیدکنندگان بخش غیر دولتی.

۴- تسریع در اجرای سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و تداوم خصوصی‌سازی، همراه با توسعه پیش‌نیازها و زیرساختهای بازارهای رقابتی و رفع انحصارهای غیر ضروری.

۵- اصلاح سیاستهای تجاری؛ به منظور حمایت از قانون حداکثر همراه با ارتقای کیفیت محصولات داخلی و افزایش مزیت‌های رقابتی، به منظور توسعه صادرات و اصلاح مقررات کُند کننده روند تولید.

۶- حمایت از توسعه سرمایه‌گذاریهای بخش غیر دولتی در حوزه صنعت و معدن، با رعایت اولویتها و مزیت‌های منطقه‌ی.

ب- افزایش توان رقابت‌پذیری بنگاههای تولیدی، با محوریت توسعه صادرات:

۱- افزایش رقابت‌پذیری، از طریق ارتقای کیفیت و کاهش هزینه‌های تولید.

مختلف در کوتاه مدت و بلندمدت از طریق رسانه‌های عمومی، نشریات و سایتهای حوزه صنعت و معدن و برگزاری دوره‌های آموزشی.

۳- شناسایی و تدوین تأمین منابع مالی؛ با توجه به شرایط بحران.

۴- بهره‌گیری از اهرمهای حقوقی و قانونی برای حمایت از صنایع دچار بحران.

۵- محدودیت، یا ممنوعیت ورود کالاهای خارجی با کیفیت بد و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ضد دامپینگ.

ث- تشکیل کارگروه ویژه تأمین منابع مالی برای بخش صنعت و معدن، با مشارکت دستگاههای ذیربط و تشکلهای فراگیر با این هدفها:

۱- جذب سرمایه‌های خارجی، به منظور تأمین سرمایه‌های لازم در بخش صنعت و معدن.

۲- برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت تسهیل در جذب سرمایه‌های بانکها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری در بخش صنعت و معدن.

۳- ایجاد بانک اطلاعات جامع سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن.

۴- تدوین برنامه کاهش خطرپذیری سرمایه در فضای کسب و کار در حوزه توسعه فناوری، با مشارکت شرکتهای دانش بنیان.

۵- تعریف و ارزیابی راهکارهای ویژه جذب سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در فناوریهای پیشرفته.

ج- اهتمام ویژه بر توسعه صنایع مبتنی بر فناوریهای پیشرفته:

۱- تقویت و گسترش صندوقهای تحقیق و توسعه بخش خصوصی و دولتی در حوزه فناوریهای پیشرفته و تلاش جهت تجهیز هر چه بیشتر منابع آنها.

۲- نفوذ فناوریهای نو در صنایع موجود کشور.

۳- توسعه و تقویت تشکلهای تخصصی صنایع

۲- استمرار حمایت از ارتقای کیفی و تنوع بخشی به محصولات صنعتی و معدنی در راستای رسیدن به تولید در کلاس جهانی.

۳- تسریع و تسهیل در فرایند شکل‌گیری شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی و تعاونیهای مختلف سهامی عام در بین بنگاههای تولیدی خصوصاً SME ها.

۴- پیگیری در جهت توسعه و تقویت بورس بین‌المللی، با هدف کاهش هزینه‌های حضور در بازار.

پ- افزایش بهره‌وری در صنعت:

۱- اندازه‌گیری و اعلام شاخصهای بهره‌وری در سطوح مختلف بخش صنعت و معدن.

۲- اجرای کامل سیاستهای اصل ۴۴ و قانون مصوب در جهت واگذاری هوشمندانه مدیریت و مالکیت بنگاههای صنعتی و معدنی به بخش خصوصی.

۳- تخصیص منابع با اولویت‌دهی به سرمایه‌گذاری با بهره‌وری بالا.

۴- نوسازی تدریجی صنایع فرسوده، به منظور بهبود شاخص بهره‌وری کل تولید.

۵- همکاری با نهادهای آموزشی، برای تقویت ارتباط و تناسب بین سیستم آموزش رسمی و آموزش مهارتی با بازار کار.

۶- ایجاد مشوقهای مناسب برای افراد، شرکتهای سازمانها؛ برای ارتقای بهره‌وری از محل منابع پیش‌بینی شده در اصل ۴۴ و لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها و سایر منابع در دسترس.

ت- مدیریت بحران جهانی اقتصاد؛ با هدف حداقل سازی اثرات مخرب:

۱- افزایش سرعت عمل در تصمیم‌گیری و وضع مقررات و تسهیلات لازم؛ مانند کارگروه ویژه تولید، که به ریاست رییس‌جمهوری تشکیل گردیده است و تشکیل کارگروههای تخصصی متناظر با آن.

۲- اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی روزآمد به بنگاههای تولیدی؛ در خصوص میزان و نحوه اثر بحران در صنایع

- نوبین .
- ۴- جلوگیری از ایجاد انحصار در انجام فعالیتهای صنعتی و معدنی .
- ۵- فراهم سازی بسترها و ساختارهای مورد نیاز، جهت حفظ حقوق مالکیت معنوی .
- حمایت از اشتغالزایی مولد در بخش معدن و صنایع معدنی :
- ۱- تقویت، حمایت و توسعه طرح فاجد در راستای جذب فارغ التحصیلان جوان در فعالیتهای اکتشافی و معدنی کشور .
- ۲- استمرار در راه اندازی و فعال کردن معادن متروکه، با هدف جذب فارغ التحصیلان بخش معدن .
- ۴- گسترش شرکتهای کوچک و متوسط فناور .
- ۵- تشکیل کنسرسیومهای مشترک جهت انجام پژوهشهای کلان راهبردی و نیاز محور در حوزههای استراتژیک؛ مانند خودروهایی هیبرید پیل سوختی، غشاها و باریکرد تجاری سازی .
- ۶- حمایت قانونی از شرکتهای ایرانی، برای انجام پژوهشهای مشترک و ایجاد Joint Venture با شرکتهای خارجی؛ به منظور کسب، جذب و صادرات فناوری، بویژه در حوزه فناوریهای پیشرفته (موارد تفصیلی در بخش برنامه ویژه رشته صنایع منتخب ارایه شده است)
- ۷- ایجاد بانک جامع اطلاعات فناوری و دانش فنی بخش .

### منابع و مأخذ:

- ۱- مرادی، مرتضی، شفایی، رسول، «رقابت پذیری از دیدگاه مدل الماس پورتر»: ماهنامه تدبیر، ش ۱۶۴ .
- ۲- «رقابت پذیری و یکپارچگی در سیاستهای صنعتی»، ایران اقتصادی، س ۱۵، ش ۴۲۹۴ .
- ۳- «توسعه فضای رقابتی و صادرات»، اندیشکده تجارت ش ۱۷، (خرداد ۱۳۸۸) .
- ۴- شهیندخت خوارزمی، «نگاه پورتر به بنگاه و توسعه اقتصادی»، مجله تدبیر، ش ۱۱۰ .
5. Michael Porter. (1998). "Adam Smith address: location, cluster and The new microeconomics of Competition". **Business Economics**. Vol. 33 No. 1.
6. Robert Grant. (1991) "Porter Competitive Advantage of Nation: An Assesment". **Strategic Management journal**. Vol. 12
- ۸- توسعه برنامه تجاری سازی یافته های پژوهشی دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور .
- ج- عدالت محوری و ایجاد تعادل و توازن منطقه ای :
- ۱- ساماندهی و بهبود نظام سیاست گذاری در کلیه سطوح اجرایی در راستای شفاف سازی و ایجاد فرصتهای برابر برای سرمایه گذاران .
- ۲- ابطال جوازهای تأسیس راكد و پایش دوره ای طرحهای در دست اجرای آنها، جهت شفاف کردن افق سرمایه گذاری برای کارآفرینان این عرصه .
- ۳- ادامه اصلاح محدوده های معدنی و اجرای کامل آن در کشور و امکان استفاده کامل از ثبت مکانیزه محدوده ها .